

آشنایی با سیره امام جواد (ع)

حضرت جواد (علیه السلام) امام نهم شیعیان است، پدر گرامی شان امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) و مادرشان به نام سبیکه نوبیه بود. در دهم رجب سال ۱۹۵ق متولد شدند و در آخر ذی قعدة سال ۲۲۰ در سن بیست و پنج سالگی به شهادت رسید و در بغداد، قبرستان قریش کنار قبر جد بزرگوارشان حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) دفن شدند.

ولادت امام جواد (علیه السلام)

امام جواد (علیه السلام) در دهم رجب سال ۱۹۵ هجری در مدینه متولد شدند. ولادت ایشان را در ماه مبارک رمضان نیز گفته اند.

نام، کنیه و القاب امام جواد (علیه السلام)

نام مبارک امام نهم محمد، کنیه ایشان ابو جعفر و کنیه مخصوص شان ابو علی است، القاب مبارک شان، مختار، متوکل، متقی، زکی و تقی، منتجب و مرتضی و قانع و جواد و عالم می باشد.

طبق روایتی امام رضا (علیه السلام) ایشان را، صادق، صابر، فاضل، نور دیده مؤمنان و مایه غیظ و خشم ملحدان لقب دادند.

دوران کودکی امام جواد (علیه السلام)

برخی روایات، حکایت از آن دارند که امام جواد در جریان طواف پدرشان به گرد کعبه در همان سالی که قصد خراسان داشتند، خطر را بر ایشان، احساس کردند، در این رابطه در اعیان الشیعه به عنوان دلیلی بر این امر به نقل از امیه بن علی آمده است که گفته:

در آن سالی که امام رضا (علیه السلام) قصد سفر به خراسان داشتند و حج وداع به جای آوردند بنده در خدمتشان بودم، فرزند ایشان ابو جعفر الجواد (علیه السلام) نیز همراهشان بودند، حضرت وداع از خانه خدا را به جای آوردند و در آنجا نماز گزارند. امام جواد (علیه السلام) به گردن یکی از غلامان آن حضرت آویخته بودند و غلام ایشان را می گرداند، در این هنگام امام جواد (علیه السلام) پایین آمدند و در حجر ابراهیم نشستند و نشستن ایشان به درازا کشید، موفق (غلام) به ایشان گفت: فدایتان شوم بر خیزید. امام جواد (علیه السلام) برنخاستند و فرمودند: از این جایم تکان نمی خورم مگر آن که خداوند خواسته باشد و غم چهره ایشان را فرا گرفت. موفق خدمت کار پیش امام رضا (علیه السلام) آمده و جریان فرزندشان امام جواد (علیه السلام) را با ایشان در میان گذارد، امام رضا (علیه السلام) خود نزد وی آمدند و به ایشان

گفتند: فرزندم برخیز، خودداری ورزید و گفت: من از جایم تکان نمی‌خورم در حالی که شما با این خانه (خانه خدا) وداعی گفתי که دیگر بدان باز نخواهی گشت و سرانجام همراه پدر برخاستند و به آنجا که پدر می‌خواست همراه پدرشان رفتند.

از این روایت چنین برمی‌آید که آن حضرت طی زیارت پدرشان از خانه خدا و وداع ایشان، خطراتی که انتظارشان را می‌کشید درک کرده بودند و درک چنین امری البته از چنان سنی بر نمی‌آید. اگر آنچه را که در رابطه با به ازدواج درآمدن دختر مأمون (ام الفضل) با ایشان اندک زمانی پس از فوت پدرشان را که در پی گفت و گوی میان مأمون و عباس از یک سو و امام جواد (علیه السلام) و قاضی القضاة یحیی بن اکثم از سوی دیگر انجام شد، در نظر بگیریم می‌توان ادعا کرد که آن حضرت به هنگام فوت پدرشان بیش از ده سال و احتمالاً در حدود چهارده سال سن داشته‌اند حال آن که روایاتی که این نظر را تأیید کنند، در دست نداریم.

والدین امام جواد (علیه السلام)

پدر امام جواد (علیه السلام) امام هشتم شیعیان، امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، و مادرشان ام ولد بوده و نام او سبیکه از اهل نوبه (از شهرهای آفریقا)، از خاندان ماریه قبطیه، همسر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، بوده است. امام رضا (علیه السلام) او را خیزران نامید. از نظر فضائل اخلاقی در درجه والایی قرار داشت و برترین زنان زمان خود بود، به طوری که امام رضا (علیه السلام) از او به عنوان بانویی منزه و پاک دامن و با فضیلت یاد می‌کردند.

ازدواج امام جواد (علیه السلام)

مامون خلیفه عباسی چون در میان یک سلسله تنگناها و شرایط دشوار سیاسی قرار گرفته بود، برای رهایی از این تنگناها، تصمیم گرفت خود را به خاندان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نزدیک سازد، بر همین اساس با تحمیل ولیعهدی بر امام هشتم (علیه السلام) می‌خواست سیاست چند بعدی خود را به مورد اجرا بگذارد. و نیز با تظاهر به مهربانی و دوستی نسبت به امام جواد (علیه السلام) تصمیم گرفت دختر خود را به حضرت تزویج کند تا استفاده‌ای را که از تحمیل ولیعهدی بر امام رضا (علیه السلام) در نظر داشت از این وصلت نیز به دست آورد. بر اساس همین طرح بود که امام جواد (علیه السلام) را در سال ۲۰۴ هـ ق یعنی یک سال پس از شهادت امام رضا (علیه السلام) از مدینه به بغداد آورد و به دنبال مذاکراتی که در جلسه مناظره امام جواد (علیه السلام) با یحیی بن اکثم گذشت، دختر خود «ام الفضل» را به همسری حضرت درآورد.

همسران امام جواد (علیه السلام)

از مطالعه کتب تاریخی و روایی فهمیده می‌شود که امام جواد (علیه السلام) دارای دو همسر بودند به نام های سمانه مغربیه مادر امام هادی (علیه السلام)، و ام الفضل (دختر مأمون خلیفه عباسی) که امام از او صاحب فرزند نشدند.

فرزندان امام جواد (علیه السلام)

درباره فرزندان امام جواد (علیه السلام) بین منابع و کتب انساب اختلاف وجود دارد. شیخ طبرسی می گوید: امام جواد (علیه السلام) دو پسر و سه دختر از خود به جای گذاردند که یکی از آنان حضرت هادی (علیه السلام) است و دومی هم به نام موسی می باشد و دختران آن جناب هم حکیمه، خدیجه و ام کلثوم نام داشته‌اند، و بعضی هم گفته‌اند: که ایشان دو دختر بنام فاطمه و امامه از خود باقی گذاشته‌اند. در برخی منابع دیگر نیز تا پنج پسر نیز به ایشان نسبت داده شده است، اما آنچه همه منابع درباره‌اش اتفاق نظر دارند، این است که فرزندان ذکور ایشان دو نفر بوده‌اند: امام علی الهادی (علیه السلام) و موسی مبرقع. به این دو فرزند ایشان در همه منابع اشاره شده است.

با این حال در منابع قدیمی تنها "ابن عنبه" در کتاب "عمده الطالب" چهار پسر برای ایشان بیان کرده است: امام هادی (علیه السلام)، موسی مبرقع، حسن و محمد.

در برخی کتاب‌های انساب که در دوره اخیر نوشته شده است، می‌توان به نام پنج فرزند پسر برای امام جواد رسید: امام هادی (علیه السلام)، موسی مبرقع، محمد، علی و یحیی.

به نظر می‌رسد علت این اختلافات تفاوت گزارشاتی است که در منابع اولیه وجود داشته است و یا شاید علت آن این باشد که از برخی از این افراد نسلی باقی نمانده و از برخی از آنها نسلی وجود دارد.

آنچه مسلم است، این که از امام هادی (علیه السلام) و موسی مبرقع نسلی به جا مانده است. نسل موسی مبرقع که خودش در قم مدفون است، اکنون در قم و شهرری حضور دارند. هر چند امروزه خاندانی در عراق خود را به یحیی فرزند امام جواد (علیه السلام) منتسب می‌دانند، اما این در منابع تاریخی نیامده است.

شهادت امام جواد (علیه السلام)

آن حضرت در شهر بغداد در آخر ماه ذی قعدة سال دویست و بیست هجری به شهادت رسیدند و آن هنگام بیست و پنج سال از عمر شریف شان گذشته بود. این مسئله را امام رضا (علیه السلام) پیش‌گویی کردند: پس از تولد امام جواد (علیه السلام)، امام رضا (علیه السلام) فرمودند: فرزندم به ناحق به شهادت می‌رسد. اهل آسمان برای او می‌گریند و خداوند متعال بر دشمن او و کسی که بر او ستم روا داشته است، خشم می‌گیرد و طولی نمی‌کشد که او را به عذاب دردناکی مبتلا می‌کند.

کیفیت شهادت امام جواد (علیه السلام)

درباره این که امام جواد (علیه السلام) به چه نحوی به شهادت رسیدند، اقوال مختلفی وجود دارد که در این جا به دو قول مشهور اشاره می‌شود:

الف: معتصم خلیفه ستم گر عباسی برادر مأمون و عموی ام فضل دختر مأمون، پیوسته نقشه هایی را برای به شهادت رساندن امام جواد (علیه السلام) اجرا می کرد و در این زمینه با ام فضل نیز همدست شده بود که امام جواد (علیه السلام) را مسموم کند؛ زیرا معتصم می دانست که ام فضل از آن حضرت منحرف شده است و به شدت علیه امام (علیه السلام) موضع گرفته است. بر این اساس ام فضل نیز در خواست معتصم را پاسخ مثبت داد و سمی را در انگور جا سازی کرد و در پیش روی آن حضرت نهاد و همین که امام جواد (علیه السلام) از آن انگور خورد، ام فضل پشیمان شد و شروع به گریه کرد حضرت فرمودند: گریه ات برای چیست؟ سوگند به خدا، خداوند آن چنان تو را به دردی در ناحیه رحم دچار سازد که جبران پذیر نباشد و به بلایی گرفتارت کند که قابل کتمان نباشد. بر اثر همین نفرین ام فضل بیمار شد و از دنیا رفت.

ب: ابن ابی دؤاد، یکی از قاضیان معروف زمان معتصم، می گوید:

امام جواد (علیه السلام) در مجلسی با استناد به آیات قرآن و روایات پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای معتصم ثابت کرد که حد دزدی، قطع انگشتان دست است. سپس انگشتان شخصی که اعتراف به دزدی کرده بود، طبق حکم امام جواد (علیه السلام) و به فرمان معتصم قطع شد.

سه روز پس از این ماجرا نزد معتصم رفتم و گفتم: «خیر خواهی برای امیر المؤمنین امری واجب است.» بعد به او گفتم در مجلسی که همه فقها و دانشمندان، وزیران، نویسندگان و فرماندهان جمع شده اند و اخبار آن به گوش مردم می رسد، صلاح نیست خلیفه همه نظرها را رد کند و نظر فردی را که فقط عده ای از مردم معتقد به امامت هستند، بپذیرد. معتصم از شنیدن این حرف رنگ به رنگ شد و تازه فهمید چه اشتباهی کرده. فردای آن روز به یکی از وزیرانش دستور داد امام جواد (علیه السلام) را به منزل خودش دعوت کند و به او غذای زهرآلود بدهد. امام جواد (علیه السلام) به او فرمودند: «می دانید که من در مجالس شما حاضر نمی شوم».

وزیر گفت: «من فقط شما را دعوت کرده ام. دوست دارم پا روی چشم من بگذارید و داخل خانه من بشوید. این را مایه برکت خانه ام می دانم.» امام جواد (علیه السلام) با اصرار صاحب خانه و بدون تمایل قلبی، دعوتش را پذیرفتند.

امام وقتی وارد منزل او شدند و قدری از غذایش را تناول فرمودند، احساس مسمومیت کردند. مرکب سواری خود را طلب کردند و در پاسخ صاحب خانه که گفت «تشریف داشته باشید»، فرمودند: «از خانه ات خارج شوم، برای خودت بهتر است.»

پس از آن شب، امام جواد (علیه السلام) پیوسته در حال بیماری و تهوع به سر می بردند تا به شهادت رسید.

مرقد امام جواد (علیه السلام)

حضرت امام جواد (علیه السلام) در قبرستان قریش در بغداد (کاظمین) در کنار قبر جدشان، حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) به خاک سپرده شدند.

امامت امام جواد (علیه السلام)

امام پس از شهادت حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)، فرزندشان حضرت محمد بن علی (علیهما السلام) است. اثبات امامت ایشان به واسطه نص صریح و اشاره‌ای است که از پدر بزرگوارشان در باره امامت آن حضرت رسیده، و همچنین به واسطه کمال و فضل ایشان که در روایات بسیاری آمده است. مدت امامت و جانشینی آن حضرت از پدرشان هفده سال بود.

دلایل امامت امام جواد (علیه السلام)

در کتاب های روایی دلائلی برای امامت امام جواد (علیه السلام) ذکر شده که در این جا به پاره ای از آن دلائل اشاره می شود:

۱. احادیثی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده و در آن اسامی امامان (علیهم السلام) آورده شده است، مانند حدیث لوح.

۲. افراد بسیاری نص صریح از حضرت رضا (علیه السلام) درباره امامت فرزندش امام جواد (علیه السلام)، را روایت کردند، مانند، علی بن جعفر بن محمد الصادق (علیهما السلام)، صفوان بن یحیی، معمر بن خلاد، حسین بن بشار، ابن ابی نصر بزنتی، ابن قیاما واسطی، و ... در ذیل بعضی از روایات ذکر می شوند:

الف- از حسن بن جهم روایت شده که گفت: من در حضور حضرت امام رضا (علیه السلام) بودم، حضرت جواد (علیه السلام) هم که در سن کودکی بودند، در محضر آن بزرگوار بودند. پس از گفت و گوی طولانی حضرت رضا (علیه السلام) به من فرمودند:

"ای حسن! اگر من به تو بگویم این بچه، امام تو خواهد بود چه خواهی گفت؟" گفتم: فدایت شوم، شما هر چه بفرمایید من نیز همان را می گویم. امام (علیه السلام) فرمودند: "درست می گویی". آن گاه حضرت رضا (علیه السلام) کتف حضرت جواد (علیه السلام) را باز کرد و رمزی را که نظیر دو انگشت بود، به من نشان دادند و فرمودند: "نظیر همین رمز، در همین موضع از بدن حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) بود.

ب- ابن قولویه (به سند خود) از زکریا بن یحیی صیرفی حدیث کند که گفت:

شنیدم علی بن جعفر برای حسن بن حسین بن علی بن حسین حدیث می گفت و در ضمن سخنانش چنین گفت: خداوند حضرت رضا (علیه السلام) را یاری کرد آن گاه که برادران و عموهایش به او ستم کردند! و حدیثی طولانی نقل کند: تا می رسد بدین جا که علی بن جعفر می گوید: پس من برخاستم و دست حضرت ابی جعفر محمد بن علی (امام جواد علیه السلام) را گرفته گفتم: گواهی می دهم در نزد خدای عز و جل که تو امام من هستی، پس حضرت رضا (علیه السلام) گریستند، آن گاه فرمودند: عموجان مگر نشنیدی که پدرم می فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: پدرم به فدای پسر بهترین کنیزان پسر کنیز نوبیه (اهل نوبه) پاکیزه، از فرزندان او است آن غایب آواره و خون خواه پدر و جدش، آن کس که از دیده‌ها پنهان شود، پس مردم بگویند: مرد، یا این که هلاک شد، یا به کدام دره افتاده و رفته است؟ من عرض کردم: راست گفتمی قربانت شوم.

کرامات امام جواد (علیه السلام)

امام جواد (علیه السلام) مانند سایر امامان (علیهم السلام) دارای کرامات زیادی بودند که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- یحیی بن ابی عمران گفت: گروهی از اهالی ری خدمت حضرت جواد (علیه السلام) رسیدند میان آنها مردی زیدی مذهب بود. آنها مسائلی سؤال کردند حضرت به غلام خود فرمودند: دست این مرد را بگیر و خارج کن مرد زیدی گفت: «اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و انک حجة الله».

ب- عمران بن محمد گفت: برادرم زرهی داد که به حضرت جواد (علیه السلام) بدهم با مقداری اسباب آنها را آوردم ولی زرهِ را فراموش کردم. همین که خواستم از خدمتشان مرخص شوم فرمودند: زرهِ را هم بیاور.

همچنین مادرم تقاضا کرده بود که پیراهنی از آن جناب بگیرم برای او فرمودند: احتیاجی ندارد خبر رسید که او بیست روز قبل فوت شده است.

ج- محمد بن اورمه گفت: معتصم گروهی از وزیران خود را خواست به آنها دستور داد به دروغ گواهی دهند که محمد بن علی بن موسی (علیهم السلام) تصمیم خروج و قیام دارد بعد حضرت را خواست گفت تصمیم داری در دولت من قیام کنی. فرمودند: به خدا قسم چنین تصمیمی ندارم.

معتصم گفت: فلان کس و فلانی بر کار تو شهادت می دهند آنها را حاضر کردند. گفتند: صحیح است ما این نامه‌ها را از بعضی غلامان تو به دست آورده‌ایم.

حضرت جواد (علیه السلام) در اطاق جلو بودند دست‌های خود را بلند کردند و گفتند: خدایا اگر دروغ می گویند اینها را بگیر. یک مرتبه دیدم اطاق جلو چنان به حرکت در آمد می رود و می‌آید هر کدام از ایشان تصمیم حرکت کردن

میگیرد، به زمین می‌افتد. معتصم صدا زد یا ابن رسول الله من از حرف خود توبه می‌کنم از خدا بخواه که اطلاق از حرکت بایستد. گفت خدایا اطلاق را آرام فرما تو می‌دانی ایشان دشمن تو و من اند، اطلاق آرام گرفت.

شبهات و پاسخ‌ها پیرامون امامت امام جواد (علیه السلام)

به طور طبیعی گردن نهادن بزرگان و علما و پیران و جوانان و... به ولایت شخصی کم سن و سال، سنگین می‌نمایند و پذیرش این ولایت، به راحتی پذیرش اولیا دیگر که از حیث سن و سال دورانی را گذرانده‌اند، برای مردم یکسان نخواهد بود. برخی از معاصران امام جواد (علیه السلام) درباره آن حضرت که در کودکی به امامت رسید، شبهه ای به نظرشان آمد که از امام رضا (علیه السلام) سؤال نموده و توضیح می‌خواستند که آن حضرت پاسخ فرمودند؛ به عنوان نمونه در ذیل به حدیثی اشاره می‌کنیم.

از محمودی روایت شده که گفت: من در طوس در حضور حضرت امام رضا (علیه السلام) بودم. یکی از یاران آن بزرگوار گفت: اگر حادثه‌ای برای حضرت رخ دهد، امام بعد از آن برگزیده خدا که خواهد بود؟!

حضرت امام رضا (علیه السلام) به وی توجهی کردند و فرمودند: "بعد از من باید برای امر امامت به پسر من حضرت جواد (علیه السلام) رجوع شود." وی گفت: سن امام جواد (علیه السلام) کم است؟! حضرت رضا (علیه السلام) فرمودند: "خدا حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) را برای مقام پیامبری برانگیخت، در صورتی که سن آن حضرت (علیه السلام)، از امام محمد تقی (علیه السلام) کمتر بود."

شخصیت علمی امام جواد (علیه السلام)

امام جواد (علیه السلام) مانند امامان دیگر با بهره‌مندی از علوم توحیدی و دریافت حقایق از عوالم ملکوتی، قطره‌هایی از دریای علم و حکمت را در صحنه‌های مختلف زندگی‌شان به نمایش گذاشته است، که مهم ترین آنها مناظرات علمی و تربیت شاگردان برجسته است، که علوم و دانش‌های خود را توسط آنان در جامعه منتشر می‌کردند، دوره امام جواد (علیه السلام) تا امام عسکری (علیه السلام) به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار خلافت، شعاع فعالیت آنان بسیار محدود بود.

امام جواد (علیه السلام) و تربیت شاگردان

می‌دانیم که یکی از ابعاد بزرگ زندگی ائمه اطهار (علیهم السلام)، بعد فرهنگی آن است. این پیشوایان بزرگ هر کدام در عصر خود فعالیت‌های فرهنگی داشته و در مکتب خویش شاگردانی تربیت می‌کردند و علوم و دانش‌های خود را توسط آنان در جامعه منتشر می‌کردند، اما شرائط اجتماعی و سیاسی زمان آنان یکسان نبوده است؛ مثلا در زمان امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) شرائط اجتماعی، مساعد بود و به همین جهت تعداد شاگردان و روایان حضرت صادق (علیه السلام) می‌دانیم که یکی از ابعاد بزرگ زندگی ائمه اطهار (علیهم السلام)، بعد فرهنگی آن است. این پیشوایان بزرگ هر کدام در عصر خود فعالیت‌های فرهنگی داشته و در مکتب خویش شاگردانی تربیت می‌کردند و علوم و دانش‌های خود را توسط آنان در جامعه منتشر می‌کردند، اما شرائط اجتماعی و سیاسی زمان آنان یکسان نبوده است؛ مثلا در زمان امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) شرائط اجتماعی، مساعد بود و به همین جهت تعداد شاگردان و روایان حضرت صادق (علیه السلام)

السلام) بالغ بر چهار هزار نفر می‌شد، ولی از دوره امام جواد (علیه السلام) تا امام عسکری (علیه السلام) به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار خلافت، شعاع فعالیت آنان بسیار محدود بود و از این نظر تعداد راویان و پرورش یافتگان مکتب آنان نسبت به زمان حضرت صادق (علیه السلام) کاهش بسیار چشم گیری را نشان می‌دهد؛ بنابر این اگر می‌بینیم که تعداد راویان و اصحاب حضرت جواد (علیه السلام) قریب صد و ده نفر بوده‌اند و جمعا ۲۵۰ حدیث از آن حضرت نقل شده، نباید تعجب کنیم؛ زیرا از یک سو، آن حضرت شدیداً تحت مراقبت و کنترل سیاسی بود و از طرف دیگر، زود به شهادت رسیدند و به اتفاق دانشمندان بیش از بیست و پنج سال عمر نکردند!

در عین حال، باید توجه داشت که در میان همین تعداد محدود اصحاب و راویان آن حضرت، چهره‌های درخشان و شخصیت های برجسته‌ای مانند: علی بن مهزیار، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، و... بودند که هر کدام در صحنه علمی و فقهی وزنه خاصی به شمار می‌رفتند، و برخی دارای تألیفات متعدد بودند.

از طرف دیگر، روایان احادیث امام جواد (علیه السلام) تنها در محدثان شیعه خلاصه نمی‌شوند، بلکه محدثان و دانشمندان اهل تسنن نیز معارف و حقایقی از اسلام را از آن حضرت نقل کرده‌اند؛ به عنوان نمونه «خطیب بغدادی» احادیثی با سند خود از آن حضرت نقل کرده است. همچنین حافظ «عبد العزیز بن اخضر جنابذی» در کتاب «معالم العتره الطاهره» و مؤلفانی نیز مانند: ابو بکر احمد بن ثابت، ابو اسحاق ثعلبی، و محمد بن منده بن مهربذ در کتب تاریخ و تفسیر خویش روایاتی از آن حضرت نقل کرده‌اند.

شاگردان امام جواد (علیه السلام)

با توجه به این که امام جواد (علیه السلام) در سن جوانی به شهادت رسیدند، آن حضرت در عمر کوتاه و با برکت خود علاوه بر انجام وظایف سنگین رهبری امت، به تربیت شاگردانی که بتوانند پیام آسمانی خاندان نبوت و امامت را به نسل های بعد منتقل سازند، توجه خاص داشتند.

دانشمندان علم رجال و تراجم، تعداد یاران و شاگردان امام جواد (علیه السلام) را ۱۱۰ نفر ذکر کرده اند که در این جا به اسامی برخی از آن چهره های تابناک، اشاره می‌کنیم.

حسین بن سعید اهوازی، حسن بن سعید اهوازی، محمد بن اسماعیل بن بزیع، احمد بن ابی عبدالله برقی، علی بن مهزیار، صفوان بن یحیی، عبدالله بن صلت، علی بن اسباط، ابراهیم بن ابی محمود خراسانی، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی کوفی، احمد بن معافی، جعفر بن محمد بن یونس احول، حسین بن بشار مدائنی، حکم بن علیاء اسدی، حمزه بن یعلی اشعری قمی، داود بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، صالح بن محمد همدانی، عبدالجبار بن مبارک نهاوندی، زکریا بن آدم، عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب، عثمان بن سعید عمری، علی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن بلال

بغدادی، فضل بن شاذان بن خلیل ابومحمد ازدی نیشابوری، محمد بن عبدالجبار، ابوعلی محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک اشعری، نوح بن شعیب بغدادی، یعقوب بن اسحاق سکیت (ابویوسف)، ابویوسف الکاتب یعقوب بن یزید بن حماد انباری، ابوالحصین بن الحصین الحضینی».

مناظرات علمی امام جواد (علیه السلام)

بارزترین نوع تبلیغ امام جواد (علیه السلام) مناظراتی است که آن حضرت انجام می دادند. مناظره های آن حضرت - که از نخستین روزهای امامت شان آغاز شد - ایشان را در تثبیت جایگاه ولایت و امامت، هدایت حق جویان و آشکار ساختن سستی گفتار ستمگران یاری داد. آن حضرت به دو جهت در عرصه مناظره های علمی گام نهادند:

نخست، نیاز شیعیان که با توجه به سن اندک آن حضرت در پی کشف جایگاه معنوی ایشان بودند و دوم خواست مأمون و معتصم که اندیشه خوار ساختن امام و اثبات الهی نبودن آگاهی های ایشان را در سر می پروراندند.

خلفا می کوشیدند با برپا ساختن مجالس مناظره، امامان شیعه (علیهم السلام) را رو در روی برخی از دانشمندان به نام زمان قرار دهند تا شاید از پاسخ پرسشی باز مانند و جایگاه معنوی شان مورد تردید واقع شود.

علم به غیب امام جواد (علیه السلام)

در این رابطه دو حدیث از حضرت امام جواد (علیه السلام) نقل شده، که عبارتند از:

اول: ابراهیم بن سعید می گوید: نزد حضرت محمد بن علی (علیهما السلام) نشسته بودیم که مادیانی از جلوی ما عبور کرد، حضرت فرمودند: این اسب در این شب کره ای خواهد زائید پیشانی سفید که بر روی او خال سفیدی است، من از آن حضرت اجازه بازگشت و مرخصی گرفته نزد صاحب آن مادیان آمدم و تا شب با او به گفت و گو و سخن پرداختم، شب هنگام آن مادیان زائید و کره او همان اوصافی که حضرتش بیان فرموده بودند، همراه داشت. مرتبه دیگر به دیدار ایشان شتافتم، حضرت فرمودند: ای پسر سعید گویا در آنچه به تو گفتم شک داشتی، اما بدان، زنی که در خانه داری به زودی فرزندی یک چشم خواهد زائید، در آن هنگام کنیز من (سعید) آبستن بود، به خدا سوگند همین محمد (بن سعید) را زائید که دارای یک چشم است.

دوم) صالح بن عطیه می گوید: حج بیت الله گزاردم و از تنهایی و بی همسری به حضرت جواد (علیه السلام) شکایت بردم، حضرت فرمودند: از حرم خدا خارج نخواهی شد جز این که کنیزی خواهی خرید و از او پسری مرزوق خواهی گشت. گفتم: فدایت گردم آیا مرا در این امر راهنمایی خواهید فرمود؟ فرمودند: بلی. شما به نمایشگاه کنیزان و بردگان برو و هرکدام را پسندیدی به من خبر ده، من سخن او را پذیرفتم و به بازار رفتم یکی از کنیزان را پسندیده و زیر نظر گرفتم آن گاه به آن حضرت خبر دادم، فرمودند: در بازار باش تا تو را ملاقات کنم من در مغازه برده فروشی منتظر ماندم

که ایشان تشریف آورد نگاهی به آن کنیز افکند و از او گذشت، سپس رو به من کردند و فرمودند: اگر او را پسند کردی بخر، اما بدان که عمر او کوتاه است. گفتم فدایت شوم او را می خواهم چه کنم؟! فرمودند: همین است که به تو گفتم.

فردای آن روز باز به سراغ آن کنیز رفتم، صاحب او گفت: آن کنیز تب دار شده و امیدی به ماندن او نیست، روز بعد باز مراجعه کردم و از حال او جويا شدم گفت: امروز او را دفن کردم، دوباره خدمت امام جواد (علیه السلام) رسیده جریان را به ایشان گزارش دادم، حضرت فرمودند: دوباره کنیز دیگری را زیر نظر بگیر، من همین کار را کرده به ایشان خبر دادم، فرمودند: آن جا منتظر باش تا بیایم، سپس سوار شدند و آهنگ دکان برده فروش کردند و پس از ملاحظه کنیزی که زیر نظر داشتم، فرمودند: او را خریداری کن، من او را خریده و پس از طهارتش با او ازدواج کردم و فرزندم محمد را به دنیا آورد.

گفتنی است دانش احکام نجوم قطره ای از دریای علم بی کرانه پیشوایان دین است، چنان که امام جواد (علیه السلام) پس از شهادت پدر بزرگوارشان به مسجد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می آیند و درحالی که به ظاهر طفل بوده اند به پله اول منبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) قرار می گیرند و می فرمایند: من محمد بن علی الرضا هستم، من جوادم من به نژاد مردم آگاهم درحالی که در پشت پدران شان قرار دارند، من اسرار باطن و ظاهر شما مردم را می دانم، این دانشی است که حق تعالی به ما بخشیده است پیش از آن که مخلوقات آفریده شوند و پس از آن که آسمان و زمین از بین بروند، اگر تظاهرات باطل گرایان و دولت گمراهان و شک شکاکان نبود، سخنانی می گفتم که خلق اول و آخر از آنها به تعجب و شگفتی می آمدند، سپس دست شریف بر دهان مبارک سان گذاشتند و فرمودند: ای محمد لب فرو بند چنان که پدران پیش از این ساکت ماندند.

بخشش و سخاوت امام جواد (علیه السلام)

ائمہ اطهار (علیہم السلام) در انفاق و بخشش همواره گوی سبقت را ربوده اند، روایات فراوانی در این باره وجود دارد که به عنوان نمونه به دو روایت اشاره می کنیم:

۱. احمد بن حدید گفت: با قافله به عنوان برگزاری حج خارج شدم، دزدها سر راهمان را گرفتند و اموالمان را به غارت بردند. وارد مدینه که شدم امام جواد (علیه السلام) را در بین راه دیدم در خدمت آن جناب به منزل شان رفتم. جریان را عرض کردم، حضرت دستور دادند مقداری لباس برایم بیاورند و پولی نیز دادند، سپس فرمودند: بین دوستان خود تقسیم کن به نسبت مقداری که دزد از آنها برده من تقسیم کردم دیدم آن پول کاملاً مساوی با همان مقداری بود که از آنها دزدیده بودند.

۲. اسماعیل بن عباس هاشمی گفت روز عید خدمت حضرت جواد (علیه السلام) رسیدم و از دست تنگ دستی شکایت کردم، جانماز را کنار زدند و از روی زمین مقداری طلا برداشتند به من دادند. آن را به بازار بردم ۱۶ مثقال طلا بود.

خلفای عباسی معاصر امام جواد (علیه السلام)

پیشوای نهم در مجموع دوران امامت شان با دو خلیفه عباسی، یعنی مأمون (۱۹۳-۲۱۸) و معتصم (۲۱۸-۲۲۷) معاصر بودند و هر دو نفر، حضرت جواد (علیه السلام) را به اجبار از مدینه به بغداد احضار کردند و طبق شیوه سیاسی ای که مأمون در مورد امام رضا (علیه السلام) به کار برده بود، آن حضرت را در پایتخت زیر نظر قرار دادند.

امام جواد (علیه السلام) از نگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

امام جواد (علیه السلام) آن قدر نزد معصومان (علیهم السلام) مقام و منزلت داشتند که سال ها قبل از تولد ایشان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با القابی زیبا و دارای معانی والایی خبر از تولد ایشان داده اند:

... رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقال: ... و إنّ الله عزّ و جلّ رکّب فی صلبه [أی فی الحسن الرضا (علیه السلام)] نطفة مبارکة، طیّبة، زکیّة، رضیّة، مرضیّة. و سمّاها محمد بن علی، فهو شفیع شیعته، و وارث علم جدّه، له علامة بیّنة و حجّة ظاهرة

علاقه شدید امام رضا (علیه السلام) به امام جواد (علیه السلام)

از همان ابتدای تولد امام جواد (علیه السلام) ابراز علاقه امام رضا (علیه السلام) به آن حضرت همه را متعجب کرده بود که در این رابطه به برخی از روایات اشاره می شود:

۱- موقعی که امام محمد تقی (علیه السلام) متولد شدند، امام رضا (علیه السلام) به یاران خود فرمودند: امشب پسری شبیه حضرت موسی بن عمران که دریاها را شکافت برای من متولد شده است از بانویی پاک؛ زیرا که او طاهره و مطهره خلق شده. آن گاه فرمودند: پدر و مادرم فدای آن شهیدی که اهل آسمان برای او گریه می کنند (منظور امام جواد علیه السلام است)

۲- از کلثم بن عمران روایت شده که گفت: به امام رضا (علیه السلام) گفتم: شما که بچه دوست داری پس دعا کنید تا خدا پسری به شما مرحمت فرماید؟ فرمودند: به من فقط یک پسر نصیب می شود که وارث من خواهد بود.

وقتی امام جواد (علیه السلام) متولد شدند، امام رضا (علیه السلام) در تمام شب بالای گهواره ایشان با آن حضرت گفت و گو می کردند، ایشان را نوازش می فرمودند، چون چند شب متوالی این عمل را انجام می داند من عرض کردم: فدایتان شوم قبل از این هم برای مردم فرزندان متولد شده آیا همه مردم بچه ها را این طور عادت می دادند؟! حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند: وای بر تو این عمل عادت دادن نیست بلکه من فرزندم را وادار به علم و دانش می نمایم.

۳-یحییٰ صنعانی گفت در مکه خدمت حضرت رضا (علیه السلام) رسیدم مشغول پوست کندن موز بودند که به حضرت جواد (علیه السلام) می دادند، گفتم فدایتان شوم همین است آن مولود مبارک؟

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند: آری یحییٰ! این همان مولودی است که در اسلام با برکت‌تر از او برای شیعیان ما متولد نشده است.

امام جواد (علیه السلام) از نگاه اندیشمندان اهل سنت

سیمای پرفروغ و عالم تاب امام جواد (علیه السلام) نه تنها شیعیان را شیدای جمال و جلال خویش ساخته، که دانشمندان اهل سنت را نیز از سکوت و خاموشی رهانیده است. آنان در منابع تاریخی و حدیثی خویش، به قدر ایمان و معرفت خود، زبان به حقیقت گشوده اند و شخصیت آسمانی پیشوای نهم شیعیان را با جملاتی مانند: هرچند سن کمی دارد، اما قدر و منزلتی بزرگ دارد، نام او بر سر زبان‌ها است و ... به تصویر کشیده اند.

منبع: برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی راسخون